

درس سه

تعریف فلسفه

فلسفه عبارت است از تلاش و کوشش برای فهم علت حقیقی رویدادها و درک مبانی و اصول علوم تجربی و انسانی

نگاه فلسفی نگاه ریشه یاب است و فیلسوف میکوشد تا از ظاهر پدیده هافراتر رفته و آنها از درون و باطن بشناسد

نکته: هر علمی در یک زمینه خاص (مطالعه) و تحقیق می کند برای مثال: در علم ریاضی تمام اشیا از جهت کمیت و مقدار بررسی میشود

در فیزیک تمام اشیا از نظر خواص ماده مثل سردی و گرمی و حرکت و سکون بحث می شود
در زیست شناسی تمام موجودات زنده از آن حیث که زنده اند مورد بررسی قرار می گیرند
در فلسفه اولی: تمام موجودات از آن جهت که هستی دارند

(وجود دارند) مورد بررسی قرار می گیرد

تعریف فلسفه اولی یا ما بعد الطبیعه

علم به احوال موجودات از جهت وجود داشتن آنها نه از آن جهت که کمیت دارند

مسائلی که در فلسفه ی اولی مطرح می شود عبارت اند از

هستی و چیستی (وجود و ماهیت) در وجود بحث از هستی و بودن و نبودن است ولی ماهیت چیستی و ویژگی های ذاتی یک شیء است

بحث علت و معلوم (رابطه ی علیت) اینکه هر معلومی علتی دارد. این رابطه به اصل هستی برمی گردد و یامربوط به یکی از خصوصیات هستی است

بحث و وحدت و کثرت: یکی از بحث های ما بعد الطبیعه این است که در میان موجودات هم وحدت میبینیم و هم کثرت مییابیم .

(اگر کثرت در کار نبود نمی توانستیم اشیا را از یکدیگر جدا کنیم و اگر وحدت نبود نمی توانستیم میان اشیا همانندی و مشابهت تشخیص دهیم و آنها را دسته بندی کنیم

مهمترین مصداق فلسفه : هستی و وجود:حقیقی ترین و اصلی ترین مبنایی است که همهی خصوصیات اشیا و پدیدهها به آن باز می گردد

هستی شناسی یا بعد الطبیعه یا فلسفه ی اولی:یعنی شناخت مطلق وجود پس مهمترین مصداق فلسفه فلسفه اولی است و فلسفه ی اولی سراسر هستی را مورد مطالعه خود قرار می دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد.